

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

## جهان در سال روان، به چه مسیری درتکاپو خواهد بود؟

توافق جدید حل و فصل قضایای کشور، تکرار گذشته محسوب نمی‌گردد؟

آیا صلح با "طالب"ها امکان‌پذیر می‌باشد

نقش احزاب سیاسی و گروه‌های اجتماعی  
چگونگی تکوین حوادث در خاورمیانه  
تحركات منطقه‌ی ایالات متحده  
طرح گفت‌وگو ملی

سال ۲۰۱۸ بتاریخ پیوست. سال سپری شده بویژه با رویدادهای مهمی در اروپا، آسیا، آفریقا و امریکا همراه بود. در نیشته حاضر، حداقل بگونه نمونه از رویدادهای دهگانه تکوین پذیرفته یادآوری و تذکر بعمل می‌آید که هر کدام عبا رتند از: پیروزی جنبش رادیکال مقاومت عربی (حماس) در انتخابات پارلمانی لبنان، خروج ایالات متحده از توافقات و معاملات هسته‌ی با ایران، انتقال سفارت ایالات متحده از تل‌ابیب به بیت المقدس، قتل ژورنالیست مخالف جمال خاشاکی در قونسولگری سعودی در استانبول، نخستین شکست اسرائیل در برخورد‌های مسلحانه با جنگجویان "حزب الله"، شکست و عدم موفقیت طرح قطعنامه سازمان ملل در مورد حماس به محوریت عربستان سعودی، آغاز "جنبش واسکت زردها" در فرانسه و گسترش آن به دیگر کشورهای اروپایی، توافقات ستهوکلم در مورد یمن و ایجاد مقدمات مصالحه در بندر هدیده، اعلامیه ترامپ در مورد فراخواندن قوت‌های نظامی کشورش از سوریه و تقلیل حضور نظامی ایالات متحده در افغانستان و در نهایت، تعطیلی برخی از ادارات ایالات متحده برای مدت زمان نامشخص.

در کنار مسایل و مطالب متذکره، اما در مورد کشور عزیز ما افغانستان، بایست متذکر گردید که ثبات سیاسی و ایجاد صلح، از جمله خواسته‌های اساسی و میرم توده‌های میلیونی کشور ما را تشکیل داده که نبود و فقدان آن بویژه در زمان کنونی، نگرانی‌ها و تشویش مردم افغانستان را ببار آورده است. درمندان باید گفت که در وضعیت کنونی چنین تصویری نمی‌گردد که بزودترین فرصت ممکن و معجزه‌گونه، کشور ما یکپارچه شده و در مسیر استقلاله رشد و تکامل قرار گیرد. اما این شکل یکپارچگی کشور در طول مدت زمان مدیدی قابل پیشبینی می‌باشد.

حصول استقلال و آزادی کشور ما (۱۲۹۸)، بارزترین نمونه مشخصه و عده و قول و قرار بر آوردن امیدها بمنظور ایجاد یک کشور صلح‌آمیز و استقرار امنیت در سرزمین ما افغان‌ها محسوب می‌گردید. اما از همان نخستین روزهای حصول و کسب استقلال سیاسی کشور بدینطرف، باشند‌های سرزمین ما با مشکلات و معضلات متعددی دست و پنجه نرم می‌نمایند. به دلیل عوامل و عوارض جغرافیایی، ایجاد و تحکیم حاکمیت مرکزی در کشور با مشکل مواجه گردید. بنابراین، تروریست‌ها و خرابکاران بین‌المللی بویژه پس از سال ۲۰۰۱، بمنظور انجام فعالیت‌های خرابکارانه شان کشور ما را که شرایط و وضعیت پیچیده و مشکل جغرافیایی، ساختار طبیعی آنرا شکل می‌بخشد، برگزیدند.

فقر سراسری، بیکاری و بیسوادی که بیش از پیش در کشور ما ریشه می‌گیرد، موانع عمده‌ای در امر ترقی و تکامل کشور محسوب می‌گردد. در وضعیت و شرایط کنونی در کشور، بیشتر از ۴۰ درصد از اهالی کشور بیکار بوده و روز

تاروزبتعداد آنها افزایش بعمل می آید. کابل، هرات، ننگرهار، کندهار و مزار شریف بیشترین تعداد اهالی بیکار کشور را در خود جا داده اند. بزرگترین بخش بیکاران کشور را نسل جوان تشکیل می دهند. عاید روزانه ۲۰ میلیون از آنها لی کشورما فقط ۱'۵ دالرتخمین می گردد.

در کنار بی ثباتی سیاسی و اقتصادی موجود در کشور، میان افغانستان و کشور همجوارما (پاکستان)، معضلات و مشکلات بیشمار تاریخی موجود بوده که تاکنون به حل و فصل آن اقدام جدی بعمل نیامده و از جمله یکی هم مسأله خط نام نهاد "دیورند" که توسط استعمار انگریزی در سده ۱۹ برپیکر کشورما تحمیل گردیده و هموطنان ما را بدوبخش از هم مجزا نمودند، مشکل و معضل مرکزی را تشکیل می دهد.

نباید فراموش خاطرما گردد که عناصر چهارگانه پذیرفته شده باید در روابط و مناسبات بین المللی بویژه در امر مناسبات میان کشورهای همجوارمرعی الاجراً قرا داده شود که هریک آنرا میتوان چنین برشمرد:

- حفظ وحدت و یگانگی کشورها؛

- تحکیم امنیت، ثبات و استحکام رژیم سیاسی که اکثریت باشندهای کشورها خود را در آن مشاهده نمایند؛

- احترام به حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشورها؛

- و تحکیم و بهبودی مناسبات با کشورهای همجوار.

در زمینه و متن موارد یادشده، صرف زمانی می توان موفق بود و از دست آوردی برخوردار گردید که نحوه مناسبات و طرز نگاه و دید کشورها بویژه کشورهای همجوار مبتنی برواقعیت های موجود مناسبات کشورها و نوع ارتباط ها و تماس های باشندهای آنها مطمح نظر باشد.

تأثیرگذاری جوانان در اردوهای بسیاری از کشورهای جهان و مبدل گردیدن آن به بهترین سرمشق نمونه برای نسل جوان کشورما بمتابه نمایندهای صلح و ثبات و مدافعان آزادی و مستقل بودن باشندهای موجود در کشور عزیزما، قابل تذکر پنداشته می شود. جوانان کشور در طول تاریخ عملن باثبات رسانیدند که همیشه در صف نخست دفاع از کشور و نوامیس ملی آن قرار دارند.

قابل تذکر پنداشته میشود که با سقوط "طالب" ها، خروج "القاعده" از سرزمین افغانستان و تشکیل اداره مؤقت در کنفرانس بن (ماه دسامبر سال ۲۰۰۱)، نزد اهالی و باشندهای سرزمین ما چنین امیدواری ایجاد گردید که کشورشان در نهایت امر، به ثبات و استقرار نایل خواهد گردید.

برنامه و عملکردهای جامعه بین المللی و تلاش ها بمنظور ترقی و پیشرفت افغانستان و تقویت اصل حکومتداری خوب در بسیاری از عرصه ها بشمول تعلیم و تربیه و آموزش، صنعت، حالت مدنی و غیره، سبب ایجاد امیدها و آرزومندی های بی بمنظور ایجاد و برقراری صلح پایدار در کشور گردیده و یکبار دیگر امیدواری نسل جوان به آینده کشور را ببار آورد. اما تصمیم دونالد ترامپ در مورد تقلیل نیروهای نظامی ایالات متحده در کشورما کاملن غیرمنتظره بود. ببینید، در ست یکسال قبل، نامبرده بگونه غیرمترقبه و برخلاف عملکردش، به فرستادن ۴۰۰۰ از نظامیان آن کشور به افغانستان مبادرت ورزید. از یکجانب ممکن تقلیل نظامیان امریکایی بویژه در آسیای میانه مورد استقبال قرار گیرد، اما از جانب دیگر، نباید فراموش نمود در محل و منطقه ای که واشنگتن حضور یابد، هیچگاهی به میل خود و داوطلبانه به ترک آن تن در نخواهد داد. کاهش تعداد تفنگداران آن کشور، بگونه کلی بمفهوم پایان بخشیدن به تلاش های ایالات متحده بمنظور تضعیف ثبات در منطقه و ایجاد مشکلاتی در سیاست ژئوپولیتیک آن کشور تلقی نمی گردد.

متذکر باید گردید که مدت زمان بیشتر از ۱۷ سال از موجودیت نظامیان خارجی در کشورما می گذرد، برخلاف آنچه انتظار برده می شد، نظامیان امریکایی و ناتو در امر مبارزه علیه تروریسم، موفق و سرفراز بدر نیامدند. این تعجب آور نمی باشد که طی سال های ۶۰ - ۷۰ سده ۲۰، از تروریسم بین المللی و گروه های تروریستی که تحت رهبری سی. آی. ای ایجاد گردیده بود، بمتابه ابزار مناسب و واشنگتن بمنظور گسترش ساحه نفوذ و تأثیرگذاری اش از جمله در کشورما برای نخستین مراتبه بکار گرفته شد.

توطئه ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱، مبدل به بهانه ای بمنظور هجوم قوت های نظامی ایالات متحده تحت عنوان "مبارزه علیه تروریسم" به کشور عزیزما افغانستان گردید. با وجود ۱۰۰ هزار از نظامیان امریکایی، تروریست ها نه تنها محو ناپدید نگردیده بلکه رشد نموده و به عرصه عملکردهایشان نیز وسعت بخشیده و با استفاده از مبالغ بدست آمده از

قاچاق موادمخدر، به فعالیت های جنگی تداوم بخشیدند.

در این مورد نباید فراموش خاطر ما گردد که حاکمیت سیاسی کنونی کشور ممکن تنها و صرف بر مراکز اداری کشور تسلط داشته باشد و اما در محلات و بخش های دیگر واحدهای اداری کشور، بگونه قطع، این "طالب" ها اند که در آنها مسلط می باشند. علاوه بر آن، "طالب" ها بگونه دوامداری به گسترش و وسعت مناطق تحت نفوذ شان می افزایند. می توان از این واقعیت تذکر بعمل آورده و یادآور گردید که امریکایی ها جنگ در کشور ما از دست می دهند. امکان استقرار صلح و تحکیم ثبات در کشور ما برای آنها اصلن میسر نگردید. پس از شکست "داعش" در سوریه و عراق، و اشننگتن جنگجویان مورد نظر را به کشور ما فرستاد تا با تحکیم مواضعش در اراضی افغانستان، وضعیت را در منطقه تحت نظارت قرار داده و به بسط و گسترش نفوذش در کشورهای آسیای میانه مبادرت ورزد. مترادف با وضعیت یاد شده و تعقیب سیاست اینچینی توسط واشنگتن، در واقعیت امر، سبب تشدید بیش از پیش فعالیت های تروریستی در شمال کشور ما گردید.

در مناطق شمال کشور، توسط هلیکوپترهای بدون علامه مشخصه، به جنگجویان "داعش"، سلاح و مهمات جنگی پرتاب می گردد. اکنون این مسأله به هیچکسی پوشیده نمی باشد که این کار توسط هلیکوپترهای متعلق به قوت های مسلح ایالات متحده و ناتو صورت می گیرد. چنانچه حاجی ظاهر قدیر، نماینده پارلمان کشور به صراحت اظهار داشت که شخص شاهد و ناظر انتقال و پرتاب سلاح و مهمات توسط هلیکوپترهای بدون علامه فارقه به داعشیان در منطقه اچین ولایت ننگرهار بوده و همچنان وقت و نا وقت انتقال صندوق های بزرگ مملو از سلاح و مهمات جنگی و حتا انتقال و تحویلدهی موترسایکل ها به جنگجویان "داعش" را نیز مشاهده نموده است.

همچنان، باشندهای محل اظهار داشتند که در مناطق و محلات تحت کنترل "داعش"، شاهد حضور و موجودیت اشخاصی بوده اند که شباهتی به افغان ها نداشته، اما لباس افغانی بتن داشته و بزبان انگلیسی با هم صحبت و مکالمه می نمودند. در چنین وضعیتی، تروریست ها نه تنها علیه آنها به اقدامی متوسل نگردیده، بلکه به تطبیق و اجرای بی چون و چرای احکام و دستاویز آنها نیز مبادرت می ورزند.

نبايد فراموش خاطر ما گردد که ایالات متحده تنها و صرف با اظهار صوری علاقمندی به حل و فصل صلح آمیز قضایای افغانستان و اما با سوؤاستفاده از راهها و طرق مختلف به حمایه و پشتیبانی تروریسم مبادرت ورزیده و با صورت حساب های مذاکره و حتا بیشتر از آن، در نظر دارد تا کشور عزیز ما را به گرداب جنگ داخلی سوق دهد.

علاوه بر آن، بدون شرکت و سهمگیری نمایندهای حاکمیت سیاسی کشور، امریکایی ها ملاقات و مذاکراتی را با "طالب" ها سازماندهی نمودند که در برگیرنده برنامههای توقف آتش، قطع کامل ارتباطات "طالب" ها با سازمان های تروریستی و همچنان قطع مرحله وار مأموریت کنونی "حمایت قاطع" ایالات متحده و ناتو در طول مدت زمان ۱۸ ماهه دوره انتقالی بوده و شامل خروج قوت های نظامی خارجی از اراضی کشور ما نیز می گردد.

قابل تذکر پنجاه می شود که چنین عاشقی به حریف و مخالف قبلی، بگونه ای توجیه می گردد. واشنگتن بهیچوجه در مورد "طالب" ها شرط بندی ننموده و اما تلاش خواهد ورزید تا برخی از تروریست ها را علیه یکدیگر برانگیخته، جنگ در کشور ما را شعله ورنگهداشته و زردوخوردهای نظامی را به مرحله جدیدی انتقال دهد.

ایالات متحده با هرگزینه ای راضی می باشد. اما این واقعیت مسلم را بخاطر باید داشت که اگر کشورهای عضو "شانگهای" و کشورهای مستقل مشترک المنافع، جنگ درازمدت در کشور ما را آغاز نمایند، آنها به سرنوشت عدم موفقیت و ناکامی ایالات متحده امریکا محکوم گردیده و منابع و امکانات شان را از دست خواهند داد، در غیر آن، واشنگتن با ترک افغانستان، کشور ویرانه ای را با موجودیت حاکمیت نامشروع برای مردم کشور ما به میراث خواهد گذاشت که خودنمایی جنگ "طالب" ها و "داعش" در آن بیشتر از هر موقع متبلور خواهد گردید.

اما در چنین وضعیتی، ایالات متحده اصلن افغانستان را ترک نخواهد نمود. ممکن از لحاظ کمی در تعداد نیروهای جنگی آنکشور کاهش بعمل آمده و اما اصل موجودیت پایگاههای نظامی آن کشور در اراضی افغانستان همچنان به قوت خود باقیست. علاوه بر آن، ایریک پرنس، مالک کمپنی جنگی بلک و اتر به دونالد ترامپ پیشنهاد نمود تا جنگجویان کمپنی یاد شده در افغانستان جاگزین نظامیان موجود امریکایی شده تا از یکجانب امور جنگی را تداوم بخشیده و از جانب دیگر، به استخراج و بهره برداری از منابع طبیعی کشور ما مبادرت ورزند. با توجه باین واقعیت که در سال ۱۳۹۶،

اصلن تعداد مجموعی و رقم کلی نظامیان امریکایی که در عملیات جنگی در کشور ما سهم می گرفتند، مخفی نگهداشته شد و بنابراین تا کنون هیچکسی بدرستی نمی داند که به چه تعداد از نظامیان و مزدوران جنگی آن کشور عملن در افغانستان موجود می باشند.

اما از آنجاییکه، بویژه در زمان حاضر برای جنگ ها و برخوردهای مسلحانه، راه حل نظامی سراغ نمی گردد و در طول تاریخ نیز شاهد بوده ایم که با تشکیل گردهمایی ها و انجام مذاکرات و گفتگوهای صلح آمیز به حل و فصل قضا یا توسل بعمل آمده است، بنابراین، چنانچه اطلاع داریم که مذاکرات و گفت و شنودهایی بمنظور ختم جنگ و آدمکشی در کشور ما نیز در این اواخر سازماندهی گردیده که از جمله طبق آخرین اطلاعات منابع خبررسانی، بتاریخ ۲۱ ماه جنوری سال روان حُلّی خلیل زاد به نمایندگی از وزارت امور خارجه ایالات متحده در امور حل و فصل صلح آمیز قضایای کشور ما با نماینده های "طالب" ها در دوحه مرکز قطری مذاکرات و گفتگوهایی را آغاز نمود، نماینده وزارت امور خارجه ایالات متحده، واقعبیت تدویر مذاکرات یادشده را تایید نمود.

این، نخستین مورد است که نماینده وزارت امور خارجه آن کشور از تدویر مذاکرات یادشده با "طالب" ها خبر می دهد. اما نباید یکی بعد دیگر، گفتگو و باز هم گفتگو بمنظور تداوم گفتگوها صورت گرفته و مانند پرنده ای نباید از یک شاخ به شاخ دیگر پرید، بلکه انجام مذاکره و گفتگو باید به هدف ختم جنگ و آدمکشی در کشور صورت عملی بخود گرفته و نتایج ملموسی نیز در قبال داشته باشد.

با وجود انجام اقدامات تروریستی مخالفان مسلح کشور علیه نیروهای نظامی و استخباراتی کشور در کابل که در نتیجه آن به مرگ ۱۲۶ تن از هموطنان ما انجامید، مذاکرات بتاریخ یادشده گشایش یافت.

قبل از تدویر مذاکرات، "طالب" ها اعلام نموده بودند که پس از پذیرفتن تقاضاهای آنها توسط ایالات متحده که شامل ختم عملیات نظامی و همچنان عدم بکارگیری و استفاده از اراضی افغانستان علیه کشور و کشورهای دیگران می باشد، مذاکراتی را با جانب هیأت امریکایی انجام خواهند داد. حُلّی خلیل زاد نیز به نمایندگی از وزارت امور خارجه ایالات متحده، امر فوق را مورد تایید قرار داده بود.

بخاطر داریم که در ماه دسامبر سال قبل، هیأت نمایندگی ایالات متحده در مذاکرات و ملاقاتی با "طالب" ها در ابوظبی نیز به هدف ختم جنگ ۱۷ ساله در کشور ما شرکت ورزیده و در نتیجه به توافق رسیدند تا مذاکرات یاد شده در اوایل ماه جنوری سال روان تداوم حاصل نماید. "طالب" ها مجدداً ختم عملیات نظامی و جنگی توسط ایالات متحده و رفع موانع و برداشتن تعزیرات در مورد سفر رهبران شان را خاطر نشان ساختند.

قابل یاددانی می باشد که مذاکرات یادشده بتاریخ ۲۳ ماه روان میان گروه ۱۳ نفری ایالات متحده به ریاست حُلّی خلیل زاد و گروه هشت نفری "طالب" ها بر رهبری معصوم ستانکزی نیز تداوم حاصل نمود. در این مورد قابل یاد

وری می باشد که اقدامات و تلاش های واشنگتن بمنظور موفقیت روند حل و فصل صلح آمیز قضایای موجود در کشور ما، مورد استقبال قرار می گیرد، اما تاکنون تلاش ها و اقدامات انجام شده موفقیتی بدنبال نداشته و اما این ملاقات ها و گفتگوها میان نماینده های ایالات متحده و "طالب" ها همچنان ادامه خواهد نمود.

محافل صلحدوست و ترقیخواه، بگونه کلی از مذاکرات یادشده استقبال نموده و فال آنرا نیک می گیرند، اما تلاش های خلیل زاد بمنظور متقاعد نمودن "طالب" ها به آغاز و تداوم مذاکرات مستقیم و رودر رو با نماینده های حاکمیت سیا سی کشور ما به نتیجه دلخواهی منتج نگردیده و با وجود فشارها از جانب ایالات متحده و تعدادی از کشورهای خلیج و پاکستان بر "طالب" ها بمنظور شرکت آنها در مذاکرات اینچینی، موفقیتی در عرصه متذکره بمشاهده نمی رسد.

دست اندر کاران امور مربوط به مسایل و روابط مناسبات بین المللی می پذیرند که مذاکرات میان ایالات متحده و "طالب" ها، امیدواری های صلحخواهانه در مورد کشور ما را بیش از هر زمان دیگر تقویت می نماید. عده ای هم چنین می پندارند که ترویج روند صلح افغانستان، مسؤلیت مشترکی پنداشته می شود. گروهی هم چنین می اندیشند که تداوم مذاکرات و گفتگوهای صلح ایالات متحده و "طالب" ها در قطر، امیدواری ها بمنظور ایجاد تهداب و بنیاد حل و فصل صلح آمیز و سیاسی قضایای کشور ما و ختم جنگ ۱۷ ساله در افغانستان را بیش از هر زمان دیگر، تقویت نموده و آرزو مندی های بشر دوستانه و صلحخواهانه در مورد را از قوه بفعل مبدل خواهد نمود.

مذاکرات و گفتگوهای قطر که همچنان هیأت های نمایندگی پاکستان و قطر نیز در آن شرکت ورزیده بودند، روز دوشنبه هفته قبل، از سر گرفته شد. هیأت نمایندگی ایالات متحده را در این مذاکرات حُلْمی خلیل زاد، نماینده خاص وزارت امور خارجه ایالات متحده در حل و فصل قضایای کشورما بر عهده داشت.

منابع معتبر خبررسانی اطلاع می دهند که در چهارمین نشست یادشده، سعی و تلاش بخرچ داده شد تا موانع موجود در امر مذاکرات رفع گردیده که در نتیجه، قبل از همه، در مورد دوما سأل مهم و قابل بحث به گفتگو و مذاکره پرداخته شد.

در آغاز مذاکرات "طالب" ها اعلام داشتند که نماینده های آنها در مورد خروج قوت های نظامی خارجی از افغانستان به توافقاتی نایل خواهند گردید.

مذاکرات صلح، سال قبل آغاز گردیده و همچنان پاکستان مجدداً خاطر نشان نمود که اسلام آباد بگونه مشخص، مذاکرات و گفتگوهای صلح را بمنظور جستجوی راهای ختم جنگ و خونریزی در افغانستان سازماندهی نموده و "طالب" ها را متقاعد به شرکت در مذاکرات با ایالات متحده نمود. وزیر امور خارجه پاکستان، شرکت و سهمگیری کشورش را در مذاکرات یادشده تأیید نموده و اما از ذکر جزئیات در مورد، خودداری ورزید.

نامبرده همچنان اظهار نمود که پاکستان از جانب خویش در مورد مسؤلیت کلی نیز با تأیید سهمگیری در مذاکرات دوحه میان ایالات متحده و "طالب" ها، بکارش ادامه خواهد داد، باین مفهوم که مذاکرات ایالات متحده با "طالب" ها که در عین زمان مورد تأیید و پشتیبانی پاکستان و قطر نیز قرار دارد، همچنان ادامه خواهد داشت.

نماینده "طالب" ها همچنان اظهار نمود که ترویج روند صلح افغانستان، بمتابه مسؤلیت مشترکی پنداشته می شود. طبق گفته ها و اظهارات وزیر امور خارجه پاکستان، در نهایت امر، مذاکرات و گفتگوهای بین الافغانی، در نوع خود ضرورت حیاتی محسوب گردیده و بمنظور تشخیص خطوط اصلی و عمده تأمین صلح در افغانستان از اهمیت شایان توجهی برخوردار می باشد تا سرزمین بلاکشیده افغان ها، قد راست نموده، ثبات و امنیت در آن تأمین گردیده و بمتابه کشور مستقل، شگوف و دموکراتیک در کنار کشورهای همجوار و در مجموعه جامعه جهانی به موجودیتش ادامه دهد.

اما باید یادآور گردید که در مورد توافق "طالب" ها به حاضر گردیدن در امر مذاکره و گفتگو با جانب هیأت افغانی تا کنون اطلاع مؤثقی در دست نمی باشد.

بروز جمعه تاریخ ۲۵ جنوری سال روان، نشریه نیویارک تایمز نوشت که واشنگتن و "طالب" ها در مورد خروج قوت های مسلح آن کشور از افغانستان، به توافقات اولیه ای نایل گردیده اند. اما در مقابل خروج قوت های نظامی ایالات متحده از اراضی متعلق به کشورما، "طالب" ها مکلف خواهند گردید تا از ورود بنیادگرهای "القاعده" و "دولت اسلامی" جلوگیری بعمل آورده و مانع تحرکات آنها گردند.

اما همچنان بحواله منابع اطلاعاتی، درباره تعداد و تاریخ اجرای عملی آن تاکنون به توافقی نایل نگردیده اند. چنین پنداشته می شود که آرزومندی هایی در خصوص تداوم مذاکرات صلح میان ایالات متحده و "طالب" ها در قطر بمنظور پی ریزی و ایجاد اساس و پایه حل و فصل سیاسی درگیری ها در کشور عزیزما، عملن موجود می باشد.

مذاکرات و گفتگوهای قطر که در آن نماینده های پاکستان و قطر نیز شرکت ورزیدند، بروز دوشنبه کارش را از سرگرفت. ریاست هیأت نمایندگی امریکایی را در این مذاکرات، حُلْمی خلیل زاد بر عهده داشت. همچنان باید یادآور شد که در چهارمین روز مذاکرات یادشده، طرف های ایالات متحده و "طالب" ها مؤفق به رفع موانع موجود در فراراه مذاکرات شده، در مورد مسایل مورد علاقه دوطرف به تفاهماتی نایل گردیده و به توافقات معینی در زمینه دست یافتند.

در همان آغاز مذاکرات، "طالب" ها اظهار نموده و تأکید بعمل آوردند که نماینده های آنها سعی می ورزند تا در جریان مذاکرات، در مورد خروج قوت های نظامی ائتلاف برهبری ایالات متحده و ناتو دست یابند. "طالب" ها بنوبه خویش چنین تضمین می نمایند که اراضی متعلق به افغانستان، هیچگاهی بمتابه ژاندارمی، به تهدید ایالات متحده و کشورها ی دیگر، مورد استفاده و کاربرد قرار داده نخواهد شد.

منابع مطلع مرتبط با شرکت کننده های مذاکرات دوحه پیشنهاد می نمایند که "طالب" ها با انکشاف وضعیت و به مجرد دستیابی به توافق خروج قوت های نظامی خارجی از کشور، به توقف عملیات نظامی و قطع آتش باید مبادرت ورزند. بیست و ششم ماه جنوری سال ۲۰۱۹